فصلنامه علمی ـ پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال نهم، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۳۳
صفحات ۱۴۲ ـ ۱۱۷

The History Of Islamic Culture and Civilization
A Quarterly Research Journal
Vol. 9, Winter 2019, No. 33

بررسی تحلیلی مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیان در قرن سوم هجری

رضا برادران*
محمدرضا بارانی**

چکیده

بازشناسی باورهای مهدوی زیدیان در قرن سوم هجری موضوعی است که نوشتار پیش‌رو بدان می‌پردازد و نویسنده بر آن است تا مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه مهدویت را در میان زیدیه در این بازه زمانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. چنان‌که مهدی‌باوری در این دوره، از کارکردهای ویژه‌ای در قیام‌های زیدی و بارور شدن برخی از مفاهیم کلیدی در حوزه مهدویت برخوردار بوده است. به‌نظر می‌رسد با ظهور شخصیت‌هایی همچون محمد بن قاسم (م۲۱۹ ق) و یحیی بن عمر (م ۲۵۰ ق) اندیشه مهدویت در میان زیدیه دوران جدیدی را تجربه کرد که باور به غیبت آن‌هم در بازه‌ای طولانی و همچنین توجه ویژه به علائم‌الظهور را می‌توان از خصوصیات بارز آن دانست. بنابراین نوشتار پیش‌رِو با استفاده از منابع معتبر گوناگون و ارائه تحلیل‌های مستند تلاش می‌کند تصویری از مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیان در قرن سوم را به‌دست دهد. چنان‌که تعامل زیدیان با دیگر گروه‌های موعودگرا می‌تواند موضوعات تحقیقات ارزشمند دیگر باشد.

کلیدواژه‌ها

مهدی‌باوری، مهدی، زیدیه، محمد بن قاسم، یحیی بن عمر.

---

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول). r.baradaraan@gmail.com
**. استادیار دانشگاه الزهرا ÷. m.barani@alzahra.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۷

طرح مسئله

زیدیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فرقه‌های شیعی که از قیام زید بن علی بن حسین (۱۲۲ ـ ۸۰ ق) سر برآوردند و پس از قیام‌های نافرجام نخستین، به حکومت‌هایی در گوشه و کنار جهان اسلام دست یافتند؛ روند پرفرازوفرودی را تا به امروز در حیات اجتماعی ــ سیاسی خود تجربه نموده‌اند و لذا صفحات بسیاری از آثار را به حرکت‌ها و باورهای خود اختصاص داده‌اند. هرچند نگاشته‌های اندکی از مهدی‌باوری آنان سخن رانده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

اما ضرورت پرداختن به چنین موضوعی آن‌هم به‌صورت تاریخی و زمان‌محور و با تأکید بر قرن سوم در واکاوی موارد ذیل خواهد بود: نخست آنکه انتخاب موضوعاتی براساس تاریخ فکر در باب مهدویت می‌تواند در تصویرسازی برای مشاهده یک منظره کلان از تاریخ فکر مهدی راهگشا باشد. چنان‌که در تبیین حوادث و یا تحلیل گزارش‌های تاریخی، شناخت بسترها و پیش‌زمینه‌های فکری، بسیار مهم و اساسی خواهد بود. لذا بازشناسی اندیشه مهدویت دراین‌باره که بر رویدادها و وقایع آن زمان کاملاً تأثیرگذار می‌نمود، گریزناپذیر خواهد بود. آخرین نکته در ضرورت برگزیدن این موضوع، گستره زمانی خواهد بود که برای پژوهش انتخاب شده است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ امامیه در این قرن، تولد و غیبت امام دوازدهم‌ﷺ خواهد بود. بنابراین تعاملات امامیه و زیدیان در موضوع موعود می‌تواند مورد کنکاش بیشتری قرار گیرد.

مباحث مرتبط با مهدویت در زیدیه چون نامزدهای مهدی در این دوران، باور به غیبت، نشانه‌های ظهور، ملاحم و فتن و مانند آن در قلمرو موضوعی این تحقیق قرار دارند. چنان‌که این تحقیق می‌کوشد تا تنها به آموزه پرداخته و به اثری شخصیت‌نگار و یا حادثه محور بدل نگردد. همچنین کشف و اثبات تمایلات درونی نامزدهای مهدوی نیز از گستره بحث خارج بوده و تمرکز قلم بر باورها و عقاید مهدوی هواداران آنان از زیدیان خواهد بود.

در گستره زمانی نیز تلاش شده است که کمتر به رخدادهای پیشینی و یا باورهای پسینی پرداخته شود، اما با توجه به آنکه طلیعه‌های نخستین اندیشه مهدویت در زیدیه همزمان با قیام زید هویدا گشت، لذا مروری گذرا بر سرگذشت این فکر قبل از آغاز بحث ضروری خواهد بود. در انتها نیز به جهت رازگشایی از عقاید مهدوی زیدیان پس از گذر از تب‌وتاب‌های قرون نخستین، به‌اجمال باور غالب زیدیه در ایمان به موعودی واپسین که تا به امروز نیز تداوم یافته است، مورد تحلیل قرار گرفت.

بنابراین می‌توان پرسش‌های تحقیق را چنین دانست: مهم‌ترین مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیه در قرن سوم چیست؟ باور به غیبت مهدی در این قرن از چه جایگاهی در نزد زیدیان برخوردار

است؟ نشانه‌های ظهور به‌عنوان بخشی از اندیشه مهدویت تا چه اندازه بر مهدی‌باوری زیدیه در قرن سوم اثرگذار بوده است؟ مهدویت در قالب باور به منجی واپسین در میان زیدیان قرن سوم از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

فرضیه تحقیق این است که باور به غیبت، توجه به نشانه‌های ظهور و باور به منجی واپسین سه مؤلفه مهم مهدی‌باوری زیدیان، در قرن سوم نمود بیشتری یافته و جایگاه محوری پیدا کرده است.

باور به غیبت مهدی در این قرن هم‌زمان با قیام محمد بن قاسم (م ۲۱۹ ق) و سرنوشت مبهم او به شکل جدی در میان زیدیان مطرح شد و این مؤلفه مهدوی تا حدود یک‌صد سال در مناطق دورافتاده خراسان به‌ویژه طالقان به حیات خود ادامه داد.

مؤلفه دیگر مهدویت یعنی نشانه‌های ظهور، در قیام یحیی بن عمر (م۲۵۰ ق) بسیار مورد توجه قرار گرفت و برخی با توجه به نشانه‌هایی که برای ظهور مهدی در میراث حدیثی شیعه مطرح بود، به قیام یحیی پیوستند و با توجه به همخوانی برخی از مسائل این قیام با نشانه‌های ظهور، به مهدویت یحیی دل بستند.

آخرین تصویر از مهدویت در این قرن را می‌توان در ایمان به منجی واپسین دانست؛ یعنی باور به ظهور مردی از نسل فاطمه‌ؑ که آخرین امام خواهد بود و ضمن حکمرانی بر کل زمین، عدالتی فراگیر برقرار خواهد کرد. این اندیشه که شاید ریشه در نفوذ اعتزال در میان زیدیان دارد و تا حد زیادی به اهل‌سنت نزدیک است، تا به امروز در میان زیدیان باقی است.

برای بررسی این فرضیه، منابع بسیاری از مصادر درون‌گروهی زیدیان و همچنین آثار متقدم در چهار زمینه تاریخ، کلام، حدیث و فرقه‌شناسی مطالعه گردید. درمورد پیشینه تحقیق نیز باید گفت اثری اختصاصی نگاشته نشده است، اما می‌توان آن را در سه حوزه جستجو کرد:

نخست تألیفاتی است که پیرامون زیدیه و یا مهدویت نگاشته شده است که باوجود ارزش علمی، کمتر به مهدی‌باوری در میان زیدیان پرداخته است.

دسته دوم آثاری است که در قالب کتاب‌هایی چون یحیی بن عمر علوی نوشته بحر العلوم[1] و یا مقالاتی مانند قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی) نوشته الهامی[2] درمورد نامزدهای مهدی در این قرن نگاشته شده است که هرچند به انعکاس زندگی و قیام وی پرداخته‌اند، اثری از باورهای مهدوی این دوران به چشم نمی‌خورد.

---

۱. بحرالعلوم، *یحیی بن عمر علوی*.

۲. الهامی، «قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی)»، *مجله درسهایی از مکتب اسلام*، سال ۳۴، شماره ۸، ص ۳۹ ـ ۳۳.

گروه سوم تحقیقاتی است با موضوع «مهدویت در زیدیه» که طی سالیان اخیر شاهد نشر کتاب‌ها[۱] و تدوین پایان‌نامه‌ها[۲] و تولید مقالاتی[۳] در این موضوع به‌صورت اختصاصی یا در ضمن موضوعات دیگر که باوجود ارائه اطلاعات ارزشمند، بازه زمان تنگ‌تر و یا گسترده‌تری را مورد بحث قرار می‌دهد و یا بیشتر به نامزدهای مهدوی پرداخته و کمتر آموزه مهدویت را در مرکز توجهات خود قرار داده‌اند. لذا با توجه به آثار یادشده، از انجام این تحقیق بی‌نیاز نخواهیم بود.

در انتهای این بخش، گفتنی است که قرن سوم را می‌توان بستری برای رخدادهای جدید در باورهای مهدوی زیدیان تلقی نمود؛ بدین‌معنا که با افول مهدی‌باوری در زیدیه با شهادت نفس زکیه،[۴] کمتر نشانی از مهدویت را می‌توان از میانه قرن دوم به بعد، در باورهای زیدیان ردیابی کرد و اگر از اعتقاد گروهی به غیبت نفس زکیه عبور کنیم،[۵] شاید بتوان تنها به گفتار کوتاهی از محمد دیباج (م ۲۰۳ ق) در امید به مهدی بودن خود اشاره کرد.[۶] اما پس از آن، دو رخداد مهم، یعنی قیام محمد بن قاسم و قیام یحیی بن عمر، در این زمینه پراهمیت تلقی می‌شوند؛ زیرا دو عنصر غیبت و نشانه‌های ظهور در این قیام‌ها به‌طورجدی در مهدی‌باوری زیدیه وارد شدند. اما زیدی‌مذهبان پس از فروکش نمودن این قیام‌ها به باوری پایدار در زمینه مهدی دست یافتند. ازاین‌رو این نوشتار را می‌توان در سه بخش زیر پی‌گیری کرد:

---

۱. برای نمونه: مظفری، ***جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی***، ص ۶۰ ـ ۴۷.

۲. برای نمونه: خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، ***دانشگاه ادیان***؛ قاریان، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، پایان‌نامه سطح ۳، قم، ***حوزه علمیه***، ۱۳۹۵.

۳. برای نمونه: موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، ***مجله هفت آسمان***، ش ۲۷، ص ۱۶۲ ـ ۱۲۷؛ فرمانیان، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، ***کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان***، ص ۳۰۰ ـ ۲۹۷؛ جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، ***کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان***، ص ۴۲۲ ـ ۴۱۴؛ موسوی‌نژاد و موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زید بن علی»، ***مجله انتظار موعود***، شماره ۴۸، ص ۱۱۶ - ۹۵.

۴. برای اطلاعات بیشتر در زمینه مهدی‌باوری زیدیان همزمان با ظهور نفس زکیه، بنگرید به: برادران و گل‌پور، «مهدی‌باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه»، ***مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، شماره ۲۶، ص ۱۳۸ - ۱۱۷.

۵. نوبختی، ***فرق الشیعه***، ص ۶۲؛ اشعری قمی، ***المقالات و الفرق***، ص ۴۳ و ۷۶؛ ناشی اکبر، ***مسائل الامامه***، ص ۲۰۳؛ اشعری، ***مقالات الاسلامیین***، ص ۹ و ۲۳؛ بغدادی، ***الفرق بین الفرق***، ص ۴۲ و ۴۵ - ۴۴ و ۲۳۲.

۶. ابوالفرج اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۴۴۰.

۱. بررسی باور به غیبت در مهدی باوری زیدیه

با ظهور محمد بن قاسم که از نوادگان امام سجاد علیه السلام می‌باشد،[۱] مهدویت در میان زیدیه وارد مرحله جدیدی شد. محمد با ویژگی‌هایی همچون علم و تقوای فوق‌العاده[۲] در خراسان قیام کرد که پس از چندین رویارویی با سپاه عبدالله بن طاهر (حک ۲۳۰ ـ ۲۱۳ ق) سرانجام شکست خورد و پس از دستگیری، روانه زندان معتصم (حک ۲۲۷ ـ ۲۱۸ ق) گردید؛[۳] اما در سرانجام او اختلاف است: بعضی معتقدند او در زندان وفات یافت،[۴] برخی بر این باورند که او از زندان گریخت اما از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست[۵] و عده‌ای با تردید در این زمینه سخن گفته‌اند.[۶] چنان‌که ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) که مطالب بسیار بیشتری نسبت به دیگران درمورد ابن‌قاسم دارد، جزئیات قابل‌توجهی را از سرنوشت محمد بعد از فرار از زندان به‌دست داده است و پاره‌ای از نقل‌ها، مرگ او را در زندان متوکل (حک ۲۴۷ ـ ۲۳۲ ق) گزارش داده‌اند.[۷]

منابع متقدم زیدی نام محمد بن قاسم را در ردیف امامان خود قرار نداده‌اند، ـ که شاید به‌سبب برخی از نظرات اعتزالی او باشد که سبب جدایی برخی از زیدی‌ها از او شد[۸] ـ اما اشاره تاریخ‌نگاران به پذیرش امامت او از سوی زیدیان[۹] و تصریح فرقه‌نویسان بر اعتقاد گروهی از جارودیان به مهدویت وی[۱۰] سبب شده است تا او را یکی از چهره‌های اثرگذار زیدی بدانیم. اما این تمام ماجرا نیست؛ زیرا توجه به دو نکته اساسی درمورد این شخصیت اهمیت فراوانی دارد. اول آنکه باور به غیبت محمد که احتمالاً ناشی از مرگ نه‌چندان روشن او دارد، تداوم

---

۱. نسب کامل وی بدین قرار است: محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن زین‌العابدین علیه السلام.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۴؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۶۴.

۳. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۹، ص ۸ ـ ۷؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۲ ـ ۴۷۱؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۵ ـ ۴۶۴؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۷۳ - ۴۶۴.

۴. ابن‌خلدون، *تاریخ ابن‌خلدون*، ج ۱۴، ص ۱۴.

۵. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۹، ص ۸؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۲؛ ابن‌مسکویه، *تجارب الامم*، ج ۴، ص ۱۷۷.

۶. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۵.

۷. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۷۳ ـ ۴۶۴.

۸. همان، ص ۴۶۵ و ۴۷۳.

۹. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۵؛ ابن‌خلدون، *تاریخ ابن‌خلدون*، ج ۱۴، ص ۱۴.

۱۰. اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ حمیری، *حور العین*، ص ۱۵۶.

قابل‌توجهی داشته است. چنان‌که برخلاف نفس زکیه که امتدادی برای اعتقاد به غیبت او در تاریخ مشاهده نمی‌شود، برخی از مردم خراسان و به‌خصوص طالقان حداقل بیش از صد سال در انتظار ظهور ابن‌قاسم بوده‌اند. چنان‌که مسعودی (م ۳۴۶ ق) به هنگام گزارش زندگی محمد بن قاسم، در سال ۳۳۲ ق، از اعتقاد جمعیت بسیاری از زیدیان به امامت و سپس مهدویت وی سخن گفته و آنان‌که اکثراً در خراسان و سپس در کوفه، طبرستان و دیلم حضور دارند را در باور به زنده بودن، خروج و عدالت‌گستری مهدی یعنی محمد بن قاسم مشترک می‌داند.[۱]

دوم آنکه اخبار محمد بن قاسم با طالقان ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ زیرا علاوه بر خروج وی از این منطقه[۲] و حتی زعم عده‌ای به وفات او در همین مکان،[۳] برخی از تاریخ‌نگاران[۴] و یا فرقه‌نویسان[۵] از او با نام صاحب طالقان یاد کرده‌اند. شایسته است که با احتیاط بیشتری نسبت به روایات مهدوی مرتبط با طالقان برخورد شود.[۶] احادیثی شمار قابل‌توجهی از ۳۱۳ یار مهدی ـ نسبت به سایر بلاد ـ را از این منطقه دانسته[۷] که گاهی اسامی افراد نیز ذکر شده است.[۸] همچنان‌که استخراج گنج‌های طالقان توسط مهدی،[۹] که از آن به یارانی[۱۰] مستحکم[۱۱] و با اراده‌هایی آهنین[۱۲] تعبیر شده است و بشارت امیرمؤمنان علیه‌السلام به مردم این منطقه،[۱۳] می‌تواند به این مجموعه اضافه شود.

---

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۵.

۲. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۷؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۶۶ ـ ۴۶۵.

۳. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۷۱.

۴. سمعانی، *الانساب*، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن‌خلدون، *تاریخ ابن‌خلدون*، ج ۳، ص ۳۲۱.

۵. اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۴.

۶. فرمانیان، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، ص ۳۰۰.

۷. طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۵۶۲ ـ ۵۵۴؛ ابن‌طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰ - ۱۴۵ و ۲۰۹ ـ ۲۰۱.

۸. طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۵۷۵ ـ ۵۶۶.

۹. ابن‌عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱۰. ابن‌اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۲، ص ۳۲۱ ـ ۳۲۰؛ ابن‌طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰ - ۱۴۵.

۱۱. صدوق، *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۶۸؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۴۰۳.

۱۲. خصیبی، *الهدایه الکبری*، ص ۴۰۳.

۱۳. ابن‌اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۲، ص ۳۲۱ ـ ۳۲۰.

البته در اینکه مراد از طالقان منطقه‌ای در مرکز ایران و مجاورت قزوین یا طالقان واقع در خراسان بزرگ و افغانستان کنونی[۱] باشد، تردیدهایی وجود دارد. برخی از جغرافی‌دانان، طالقان را نام دو منطقه می‌دانند که یکی از آنها در خراسان قدیم و در سه منزلی مرو بوده و دیگری طالقان قزوین است.[۲] اما با توجه به قراینی ازجمله قرار گرفتن طالقان در کنار سایر شهرهای مرو[۳] در اکثر روایات مهدوی و شهرت فزون‌تر طالقان خراسان نسبت به طالقان ایران - همان‌گونه که برخی جغرافی‌دانان نخستین تنها به تبیین طالقان خراسان پرداخته‌اند[۴] ـ و ظهور محمد بن قاسم در طالقان این منطقه،[۵] شاید نتوان به‌سادگی روایات را به طالقان ایران مرتبط دانست. البته درمورد صحت این روایات با توجه به انگیزه‌های فراوان جعل نمی‌توان به‌راحتی اطمینان حاصل کرد. درهرحال اعتقاد به غیبت آن‌هم در منطقه‌ای دور از مرکز اسلام سبب شد تا مهدویت در زیدیه باز هم روندی متفاوت از ادوار گذشته را تجربه کند.

نتیجه آنکه اولاً مهدویت در میان زیدیان روند نزولی خود را آغاز کرده است و خبری از جزئیات فراوان در باب مهدی که در دوره نفس زکیه مطرح شد،[۶] به چشم نمی‌خورد و تنها اعتقاد به غیبت آن‌هم برای بازه‌ای طولانی جلب‌توجه می‌کند که ریشه در مرگ مخفی محمد بن قاسم دارد؛ موضوعی که برای هیچ‌یک از نامزدهای مهدوی قبل از او و حتی برای یحیی که پس از وی، به‌عنوان مهدیِ برخی از زیدان مطرح شد، سابقه ندارد. لذا باور به عدم مرگ و طبیعتاً غیبت و ظهور، این دوره را از زمان قبل از خود کاملاً متمایز می‌سازد. ثانیاً پذیرش مهدویت یک رهبر زیدی در خارج از منطقه عراق و حجاز است که نسبت به دوره‌های دیگر امری بدیع به‌حساب می‌آید و لذا روایات مرتبط با این منطقه نیز که با مهدویت ارتباطی محکم دارند، می‌تواند مورد توجه باشد. اما درهرحال این دوره را می‌توان آغازی برای کاهش اهتمام به جزئیات مرتبط با مهدی قلمداد نمود.

---

۱. این شهر هم اکنون مرکز ولایت تخار در شمال افغانستان است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: بادنج، «تالقان (طالقان)»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۶، ص ۳۰۰ ـ ۲۹۷.

۲. سمعانی، *الانساب*، ج ۹، ص ۸؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۷ ـ ۶.

۳. ابن‌اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۲، ص ۳۲۱ ـ ۳۲۰؛ طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۵۶۲ ـ ۵۵۴ و ۵۷۵ ـ ۵۶۶؛ ابن‌طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۲۰۹ ـ ۲۰۱.

۴. یعقوبی، *البلدان*، ص ۱۱۵.

۵. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۷؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۶۵ و ۴۶۶.

۶. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۱۷ ـ ۲۱۰.

۲. بررسی نشانه‌های ظهور در مهدی‌باوری زیدیه

در قیام یحیی بن عمر از نوادگان زید شهید،[۱] نقطه عطف بزرگی در مهدی باوری زیدیان وجود دارد و آن توجه به نشانه‌های ظهور است. در تبیین این مسئله باید گفت که برخی آثار محدود پیرامون شخصیت و قیام یحیی نوشته شده،[۲] اما کمتر به مهدویت وی و بروز تمایل به نشانه‌های ظهور در این دوران پرداخته شده است.[۳] درحالی‌که شاید این قیام چرخش‌گاهی اساسی در تاریخ مهدویت زیدیه به‌واسطه اهتمام به نشانه‌های مرتبط با آخرالزمان و ظهور مهدی باشد. برای روشن شدن این مسئله لازم است تا حرکت یحیی در کوفه بررسی شود.

یحیی که از محبوب‌ترین طالبیان زمان خویش قلمداد گشته است،[۴] به سال ۲۵۰ در کوفه قیام کرد که هرچند پیش‌درآمدِ قیام او را نارضایتی‌های مالی دانسته‌اند،[۵] هدف از خیزش خویش را رضای الهی اعلام کرد[۶] و در خطبه‌های آغازین خود بر عدالت و دعوت به رضا من آل‌محمد[۷] تأکید می‌نمود. او را که برخی از شمار ائمه زیدیه می‌دانند،[۸] مورد حمایت زیدیان قرار گرفت[۹] که گاهی به دخالت آنها در امور منجر می‌شد.[۱۰] وی سرانجام پس از تصرف کوفه و پیروزی‌های اولیه، از سپاه عباسی شکست خورد و در معرکه جان سپرد.[۱۱]

---

۱. نسب کامل او عبارت است از: یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب‌ﷺ.

۲. برای نمونه: بحرالعلوم، ***یحیی بن عمر علوی***؛ الهامی، «قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی)»، ***مجله درس‌هایی از مکتب اسلام***، سال ۳۴، شماره ۸، ص ۳۹ ـ ۳۳.

۳. هرچند برخی دراین‌باره سخن گفته‌اند. بنگرید به: جاسم حسین، ***تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم***، ص ۴۴ ـ ۴۳ و ۵۴ - ۵۳ و ۸۶.

۴. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۹، ص ۲۶۸؛ ابوالفرج اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۵۱۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ***شرح نهج‌البلاغه***، ج ۱۵، ص ۲۹۰.

۵. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۹، ص ۲۶۶؛ یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۲، ص ۴۹۷.

۶. ابوالفرج اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۵۱۱.

۷. برای اطلاعات بیشتر درمورد کاربست‌های این عبارت بنگرید به: الله اکبری، «الرضا من آل محمدﷺ»، ***مجله تاریخ اسلام***، شماره ۸، ص ۴۴ - ۲۵.

۸. ابن‌عنبه، ***عمدة الطالب***، ص ۲۵۲؛ مؤیدی، ***التحف***، ص ۱۵۰.

۹. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۹، ص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ ابن‌مسکویه، ***تجارب الامم***، ج ۴، ص ۳۲۸؛ ابن‌اثیر، ***الکامل فی التاریخ***، ج ۷، ص ۱۲۷.

۱۰. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۹، ص ۲۶۸؛ ابن‌مسکویه، ***تجارب الامم***، ج ۴، ص ۳۲۸؛ ابن‌اثیر، ***الکامل فی التاریخ***، ج ۷، ص ۱۲۸.

۱۱. طبری، ***تاریخ طبری***، ج ۹، ص ۲۷۱ ـ ۲۶۶؛ یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۲، ص ۴۹۷؛ مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۴، ص ۶۸ ـ ۶۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۵۲۱ - ۵۰۶.

واکنش‌های اولیه نسبت به مرگ یحیی، انکار از سوی کوفیان بود که حتی نمایش سر او ـ که به‌علت کثرت جراحات چندان قابل‌شناسایی نبود ـ نتوانست اهل کوفه را متقاعد سازد؛ اما سرانجام با تصدیق مرگ یحیی از سوی نزدیکان وی، کوفه در سوگ او فرو رفت و در بغداد نیز همین رویه تکرار شد[۱] و حتی بعدها برخی با قیام صاحب زنج (۲۷۰ ـ ۲۵۵ ق)[۲] به‌سبب آنکه او را یحیی می‌دانستند، همراهی کردند.[۳]

آنچه در اینجا اهمیت دارد، نه انکارهای نخستین در مرگ یحیی و نه اعتقاد برخی از زیدیان به مهدویت یحیی است که در کتاب‌های فرقه‌نگاری[۴] و یا منابع امامی[۵] آمده است، بلکه سبب و علت مهدی‌انگاری او در این زمان است. براساس روایتی از ابن‌عقده (م ۳۳۳ ق) در بقایای به‌جای مانده از اصول اربعمائه،[۶] نشانه‌هایی برای آخرالزمان و شاید مهدی ـ هرچند تصریحی در روایت به چشم نمی‌خورد ـ از امام صادق‌علیه‌السلام بیان شده است که برخی از بزرگان در هنگام خروج یحیی در سال ۲۵۰ تمامی آنها را تحقق یافته می‌دیدند. در این خبر امام از موارد ذیل خبر داده است: خارج شدن کارها از روال معمول، توقف حج، کشتار وسیع مردم در منطقه مکه، خروج مردی از خاندان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه با پرچمی سفید رنگ، خشک شدن فرات، ظهور مردمانی کوچک‌چشم و آواره ساختن مردمان، حمله درندگان به مناطق مسکونی، شکافته شدن قبر مردگان و ظهور مردی بور چهره در مکه که خواستار لعن امیرمؤمنان‌علیه‌السلام بوده و بعد از کشتاری وسیع در همان روز به قتل خواهد رسید.[۷]

ممکن است نتوان تک‌تک حوادث ذکرشده در خبر فوق را با تاریخ منطبق ساخت، اما احتمالاً

---

۱. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۵۰۹.

۲. برای اطلاعات بیشتر پیرامون قیام صاحب زنج بنگرید به: احمد العلی، *علی بن محمد صاحب الزنج و دولته المهزوره*؛ آژند، *قیام زنگیان*.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، *شرح نهج‌البلاغه*، ج ۸، ص ۱۳۰.

۴. اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ حمیری، *حور العین*، ص ۱۵۶.

۵. مفید، *فصول العشره*، ص ۱۱۰.

۶. برای اطلاعات بیشتر پیرامون اصول اربعمائه بنگرید به: عاشوری تلوکی، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله صحیفه مبین*، شماره ۳۷، ص ۶۸ ـ ۴۸؛ کلانتری، «اصول اربعمائه یا نخستین مرحله فقه شیعه»، *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۳۳۱ ـ ۳۰۴؛ ایزدی مبارکه، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله دین و ارتباطات*، شماره ۲، ص ۱۱۸ - ۹۷.

۷. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، تحقیق محمودی و دیگران، ص ۳۵۵ - ۳۵۳.

قیام اسماعیل بن یوسف علوی (م ۲۵۲ ق) ـ که از نوادگان امام حسن علیه السلام بود و در مکه بـه سـال ۲۵۱ ق قیام کرد و پس از خونریزی‌های بسیار در منطقه حجاز، سـرانجام در سـال ۲۵۲ ق درگذشـت[۱] ـــ را بتوان تا حدی با این موضوع نزدیک دانست. هرچند شاید نتوان در تاریخ ویژگی‌های ظاهری اسـماعیل بن یوسف ازجمله چهره‌ای بور و یا دشنام به امیرمؤمنان علیه السلام را رصد کرد ـ که در خبـر ابـن‌عقـده آمـده است ـ درهرحال علویان بسیاری به‌دست سپاهیان او کشته شدند[۲] که حتی امثال ابوالفرج اصفهانی نیـز از بیان شرح‌حال او خودداری کرده‌اند.[۳] شایان ذکر است که او یک سال بعد از جنایات خویش، یعنـی در سال ۲۵۲ ق درگذشت که چندان با خبر پیشین منطبق نیست؛ زیرا او باید در همان روز کشـتار، از دنیـا برود.[۴] همچنین او یک سال پس از کشته شدن یحیی قیام کرد، ولی درعین‌حال هیچ حرکتـی در مکـه در حدود دهه چهل و پنجاه قرن سوم به‌جز این قیام گزارش نشده است.

همچنان‌که پرچم‌داری قیام یحیی در مکه به‌دست شخصی به نام محمد بن معروف – کـه در خبر ذکر شده است ـ نیز در منابع منعکس نشده و شخصیت نگاران متقدم و حتـی معاصـر نیـز از این شخص اطلاعات اندکی به دست می‌دهند که با قیام در مکه ارتباطی ندارد.[۵]

درضمن پیش‌گویی منتسب به امام صـادق علیه السلام خبـر از خشـک شـدن فـرات داده اسـت کـه نمی‌توان به‌روشنی در تاریخ این موضوع را پی گرفت. در اخبار مهدوی، گـزارش‌هـایی مـرتبط بـا خشکی فرات وجود دارد که گاهی بدون اشاره به ظهور مهدی، از عبـدالله بـن مسـعود (م ۳۲ ق) پیش‌گویی‌هایی مبنی بر کم‌آب شدن شدید فرات و وجود آن تنها در سـرزمین‌هـای شـام را آورده است[۶] و یا روایتی خشک‌سالی شدید در هنگامه ظهور دجال را بیان می‌دارد.[۷] اما احادیث مرتبط با

---

۱. طبـری، *تـاریخ طبـری*، ج ۹، ص ۳۴۷ ـ ۳۴۶ و ۳۷۲؛ یعقـوبی، *تـاریخ یعقـوبی*، ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹؛ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر* ج ۴، ص ۹۴.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۵۶۴ - ۵۶۳.

۳. همان، ص ۵۲۴.

۴. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، ص ۳۵۵.

۵. نجاشی، *رجال نجاشی*، ص ۳۶۲؛ ابن‌داود، *رجال ابن‌داود*، ص ۳۳۷؛ خوئی، *معجم رجـال الحـدیث*، ج ۱۸، ص ۲۸۱.

۶. عبدالرزاق، *مصنف عبدالرزاق*، ج ۱۱، ص ۳۷۳؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منـادی*، ص ۲۹۶ ـ ۲۹۵؛ طبرانـی، *معجم الکبیر*، ج ۹، ص ۱۷۲؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصـحیحین*، ج ۸، ص ۳۰۴۱؛ ابـن‌عسـاکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱، ص ۳۱۳.

۷. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۳۶۳ - ۳۶۲.

فرات در میراث اهل سنت بیشتر ناظر به استخراج گنجی از فرات است که با جنگ و کشتار وسیع مردم همراه است[۱] و لذا توصیه به عدم اخذ آن[۲] و عدم نزدیک شدن به آن را دارد.[۳] در منابع شیعه نیز به رخ دادن شکافی در سدهای فرات در هنگامه سال فتح اشاره می‌کند؛ به‌گونه‌ای‌که آب را بر سطح معابر کوفه جاری می‌سازد.[۴]

در روایت منسوب به امام ششم علیه السلام به ظهور مردمانی کوچک‌چشم و اخراج مردمان از خانه‌هایشان در آخرالزمان خبر داده است که علاوه بر وجود مشابه‌های آن در دیگر احادیث[۵] به روی کار آمدن ترک‌ها تطبیق داده شده[۶] که به‌نظر می‌رسد صحیح باشد.[۷]

قیام حسن بن زید (حک ۲۷۰ ـ ۲۵۰ ق) در طبرستان به سال ۲۵۰ نیز تا اندازه‌ای می‌تواند قابل‌توجه باشد. هرچند حرکت او پس از خاموش کردن جنبش یحیی صورت گرفته است،[۸] اما شاید در دامن زدن به افکار مهدوی در آن سال‌ها کمک کرده باشد؛ زیرا برحسب بعضی از پیش‌بینی‌ها، مردمی در شرق ظهور می‌کنند که راه را برای قیام مهدی[۹] و یا مصلح

---

۱. عبدالرزاق، *مصنف عبدالرزاق*، ج ۱۱، ص ۳۸۲؛ ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۲۳۳، ۲۳۴، ۴۱۸، ۴۱۹؛ ابن‌حنبل، *مسند احمد*، ج ۱۲، ص ۵۱۵ و ج ۱۳، ص ۴۲۵ و ج ۱۴، ص ۲۳۲ و ج ۱۵، ص ۲۱۷ و ج ۳۵، ص ۱۸۴ ـ ۱۸۳ و ۱۸۵؛ مسلم، *صحیح مسلم*، ج ۲، ص ۲۲۱۹ و ۲۲۲۰؛ ابن‌ماجه، *سنن ابن‌ماجه*، ص ۹۱۸؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منادی*، ص ۲۷۷؛ طبرانی، *معجم الکبیر*، ج ۱، ص ۲۰۰؛ دانی، *سنن دانی*، ج ۱، ص ۲۹۲، ج ۴، ص ۹۳۴، ۹۳۵؛ ابن‌عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۷، ص ۳۳۳ - ۳۳۲ و ج ۸، ص ۱۱۱ و ج ۲۳، ص ۲۰۷.

۲. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۴۱۷؛ بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۶، ص ۲۶۰۵؛ مسلم، *صحیح مسلم*، ج ۲، ص ۲۲۱۹ و ۲۲۲۰؛ ابی‌داود، *سنن ابی‌داود*، ج ۴، ص ۹۸؛ ترمذی، *سنن ترمذی*، ص ۷۴۰؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منادی*، ص ۲۷۷، ۲۷۸؛ دانی، *سنن دانی*، ج ۳، ص ۵۶۴.

۳. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۲۳۳، ۴۱۵؛ احمد بن حنبل، *مسند احمد*، ج ۱۴، ص ۱۱۹؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۳، ص ۲۶۸.

۴. مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۳۷۷؛ طوسی، *الغیبه*، ۱۴۱۱، ص ۴۵۱؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۴۵۸.

۵. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۳؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منادی*، ص ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵.

۶. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، تحقیق محمودی و دیگران، ص ۳۵۴.

۷. برای اطلاعات بیشتر درمورد نفوذ ترک‌ها در حکومت عباسی بنگرید به: قائدان و آیینه‌وند، «نقش سه عنصر عرب، ایرانی و ترک در سپاه عصر اموی و عباسی»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره هفدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۴)، ص ۱۵۲ ـ ۱۳۸.

۸. *تاریخ طبری*، ج ۶، ص ۲۶۶ ـ ۲۷۶.

۹. ابن‌ماجه، *سنن ابن‌ماجه*، ص ۹۳۳؛ طبرانی، *معجم الاوسط*، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱، ص ۹۴؛ مقدسی شافعی، *عقد الدرر*، ص ۱۶۷.

جهانی[۱] هموار می‌سازند. شایسته یادآوری است که ارتباط شرق و ساکنان آن با مهدی، در بیشتر موارد به رایات سود[۲] گره خورده است که آنان به مهدی[۳] یا همان مصلح موعود[۴] یاری می‌رسانند. حتی گاه مهدی را نیز همراه و در میان پرچم‌داران سیاه[۵] از مشرق[۶] دانسته‌اند. کار بدان‌جا رسیده است که گاهی بدون اشاره به نام و یا وصف مهدی به پیروی از آنان توصیه شده است.[۷] البته اخبار نقضی نیز در این زمینه وجود دارد.[۸] به‌هرحال شرقی‌های زمان مهدی که گزارش‌هایی از فعالیت‌های آنان قبل از مهدی وجود دارد،[۹] نقش پررنگی در گزارش‌های مهدوی داشته، به‌گونه‌ای‌که پرچم‌دار مهدی را از مشرق دانسته‌اند[۱۰] و یا در احادیثی، ظهور شخص مهدی را از شرق پیش‌بینی کرده‌اند.[۱۱]

به‌هرروی اخباری چون ظهور سفیدپوشان در کوفه که به‌صراحت در خبر آمده است[۱۲] و اتفاقات عجیب دیگر، به‌علت کمبود اطلاعات تاریخی نمی‌توانند مورد ارزیابی دقیق قرار گیرند. گزارش‌های تاریخی نیز حاکی از آن است که حسن بن زید در قیامش از پرچم‌های سفید

---

۱. بزار، *البحر الزخار (مسند البزار)*، ج ۴، ص ۳۵۵ ـ ۳۵۴؛ طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۴۴۵ - ۴۴۴.

۲. برای اطلاعات بیشتر درمورد رایات سود بنگرید به: صادقی، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، ص ۱۲۳ ـ ۹۷.

۳. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۲۱۳.

۴. ابن‌ابی‌شیبه، *المصنف*، ج ۱۳، ص ۳۹۲؛ ابن‌ماجه، *سنن ابن‌ماجه*، ص ۹۳۲ ـ ۹۳۱؛ شاشی، *مسند الشاشی*، ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۶۲؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منادی*، ص ۱۹۳؛ طبرانی، *معجم الاوسط*، ج ۶، ص ۲۹؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۸، ص ۲۹۹۷؛ دانی، *سنن دانی*، ج ۵، ص ۳۰ ـ ۲۹؛ طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۴۴۵ و ۴۴۶؛ ابن‌طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۱۶۱.

۵. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۲۱۴ ـ ۲۱۳؛ احمد بن حنبل، *مسند احمد*، ج ۳۷، ص ۷۰؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منادی*، ص ۱۹۴؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۸، ص ۳۰۳۸؛ دانی، *سنن دانی*، ج ۵، ص ۱۰۳۳ ـ ۱۰۳۲؛ بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۶، ص ۵۱۶ ـ ۵۱۵؛ مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۲، ص ۱۷۴؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲، ص ۴۷۲.

۶. ابن‌ماجه، *سنن ابن‌ماجه*، ص ۹۳۲؛ ابن‌منادی، *الملاحم لابن‌منادی*، ص ۱۹۴ ـ ۱۹۳؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۸، ص ۲۹۹۶؛ ابن‌عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳۲، ص ۲۸۱ - ۲۸۰.

۷. گنجی شافعی، *البیان فی أخبار صاحب الزمان*ﷺ، ص ۴۹۰ ـ ۴۸۹؛ مقدسی شافعی، *عقد الدرر*، ص ۱۷۳.

۸. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۱۳۲ ـ ۱۳۱ و ۲۱۶.

۹. ابن‌حماد، *الفتن ابن‌حماد*، ص ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۵ ـ ۲۴۴.

۱۰. طبرانی، *معجم الاوسط*، ج ۴، ص ۲۵۶.

۱۱. نعمانی، *الغیبه*، ص ۳۰۵ ـ ۳۰۴.

۱۲. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، تحقیق محمودی و دیگران، ص ۳۵۴.

بهره می‌برد[۱] و همین روند را جانشینان او مانند محمد بن زید (حک ۲۸۷ ـ ۲۷۰ ق) نیز ادامه دادند.[۲]

اگر توفیق چندانی در تطبیق علائم ذکرشده با حوادث آن سال‌ها به‌دست نیامد، اما اعتقاد به مهدویت یحیی با توجه به علائم پیش‌گفته آن‌هم از سوی بزرگانی چون ابن‌عقده[۳و۴] ـ که البته او را زیدی دانسته‌اند[۵و۶] ـ گویای اهتمام قابل‌توجه زیدیان به نشانه‌های ظهور در مهدی‌گزینی است. زیرا در یحیی شاید بتوان تنها گزارش‌های معدودی را یافت که اسم مهدی را با اسامی یکی از پیامبران منطبق می‌داند.[۷] درهرحال تکیه بر مهدویت او آن‌هم به‌سبب نشانه‌ها، شاید یکی از آخرین نقاط عطف در مهدی‌باوری زیدیان باشد. پس از این رویداد، مهدویت حسین بن قاسم عیانی (م ۴۰۴ ق) در یمن[۸] قابل‌توجه است که برخی از خاورشناسان آن را جدی‌ترین نهضت مهدوی در یمن در آن دوره می‌دانند[۹] که از بازه زمانی این تحقیق خارج است و مناسب است که اعتقاد زیدیان بعد از تجارب ناموفق گذشته بازخوانی شود.

پیش از بررسی باور زیدیان پس از این مراحل که تا امروز نیز تداوم دارد، به دو نکته درمورد این مقطع از مهدی‌باوری زیدیه اشاره می‌شود:

---

۱. ابن‌اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، ج ۱، ص ۲۳۲ و ۲۳۷.

۲. همان، ص ۲۵۶؛ مرعشی، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، ص ۱۴۱.

۳. ابن‌عقده از محدثان بزرگ شیعه است. برای اطلاعات بیشتر درمورد ابن‌عقده، بنگرید به: پاکتچی، «ابن‌عقده»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۳۲۰ ـ ۳۱۸؛ جلالی، «ابن‌عقده و مقام او در حدیث»، *مجله علوم حدیث*، ش ۲، ص ۲۰۱ ـ ۱۷۶.

۴. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ص ۴۴ و ۵۳. البته مجلسی در *بحار* روایت مورد بحث را از کتاب *نوادر* علی بن اسباط از اصحاب امام رضاؑ و امام جوادؑ (برقی، *رجال البرقی*، ص ۵۴ و ۵۶؛ نجاشی، *رجال نجاشی*، ص ۲۵۳ ـ ۲۵۲) می‌داند (مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۷، ص ۹۴) که با توجه به تصریح روایت به نقل در سال ۳۲۸ و ناهمخوانی با دوره را بن اسباط و همچنین نیامدن اسم وی در سلسله سند، پذیرفتنی نخواهد بود.

۵. طوسی، *فهرست*، ص ۶۸؛ ابن‌داود، *رجال ابن‌داود*، ص ۴۲۲؛ حلی، *رجال*، ص ۲۰۳.

۶. برای اطلاعات بیشتر درمورد مذهب ابن‌عقده، بنگرید به: فیروزمندی و نریمانی، «بررسی شخصیت رجالی ابن‌عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی»، *مجله مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۵، ص ۱۴۸ - ۱۲۵.

۷. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۶۵؛ نعمانی، *الغیبه*، ص ۱۷۸، ۱۷۹ و ۱۸۱؛ طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۴۸۶.

۸. برای اطلاعات بیشتر درمورد مهدویت حسین بن قاسم، بنگرید به: موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، ش ۲۷، ص ۱۶۲ ـ ۱۲۷.

9. Madelelung, AL - MAHDI, IN "***THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM***", V. 5, P. 1237.

نخست توجه جدی به نشانه‌های ظهور است که تکیه‌گاه اصلی برای مهدویت رهبر قیام کوفه بود و برخلاف زمان نفس زکیه، شواهد بسیار اندکی از اهتمام به شخص مهدی دیده می‌شود.

دومین مسئله در نزدیکی این زمان با آغاز غیبت صغری در امامیه بود که شاید در دامن زدن به مهدویت یحیی مؤثر باشد؛ چنان‌که برخی معتقدند اهتمام شیعیان امامی بر نقل احادیث مهدوی و آماده‌سازی جامعه برای عصر غیبت به مهدی‌انگاری یحیی کمک قابل‌توجهی کرده است.[۱]

۳. بررسی باور به منجی واپسین در مهدی‌باوری زیدیه

زیدیان پس از شکست و یأس از قیام‌های نامزدهای مهدی در زیدیه کم‌کم به موعودی گرایش یافتند که دیگر مشخصات دقیقی برای آن یافت نمی‌شود؛ چنان‌که برخی معاصران زیدی به توجه کمرنگ زیدی‌ها به مهدویت و موهبت‌انگاری آن اذعان داشته و حتی گاه اقامه عدل را وابسته و منحصر در ظهور مهدی نمی‌دانند.[۲] اما چنان‌که گفته خواهد شد، در نگاه غالب زیدیه به‌ویژه در آثار متقدم، مهدی آخرین امام است که در آخرالزمان خواهد آمد و جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد. لذا به‌رغم تجارب ناموفق گذشته به‌طورکلی منکر مهدویت نشده‌اند؛ ولی بعضی از معاصران، زیدیه را از اساس مخالف مهدویت و رجعت می‌دانند.[۳]

زیدیان هر فاطمیِ شجاعِ عالمی را که قیام کند، مهدی نمی‌دانند و بعضی چنین مسئله‌ای را اظهار کرده‌اند؛[۴] بلکه آنان معتقدند باید آخرین امام، مهدی باشد[۵] و او را چون سایر ائمه خود از نسل حسنین‌ﷺ[۶] و شاید از نسل امام حسن‌ﷺ[۷] می‌دانند.

---

۱. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ص ۵۳. هرچند غیبت‌نگاری‌های واقفه نیز در تعمیق‌بخشی اعتقاد به غیبت در شیعه مؤثر بوده است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: غلامعلی، «درآمدی بر غیبت‌نگاری (بررسی کتاب‌های غیبت تا قرن پنجم هجری)»، *مجله حدیث و اندیشه*، ش ۳ (دوره جدید)، ص ۱۲۲ ـ ۹۷.

۲. حمیدالدین، *الزیدیة قراءة فی المشروع و بحث فی المکونات*، ص ۱۰۷.

۳. امین، *ضحی الاسلام*، ج ۳، ص ۲۴۳.

۴. صبحی، *نظریه الامامه لدی الشیعه اثنی‌عشریه*، ص ۴۰۵.

۵. هادی، *مجموع رسائل الإمام الهادی یحیی بن الحسین*، ص ۶۲؛ ابن‌سلیمان، *حقائق المعرفه*، ص ۴۸۳؛ مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۹ ـ ۵۸.

۶. چنان‌که زید در جواب سؤال از مهدی بدان تصریح کرد. بنگرید به: درسی، *مجموع کتب و رسائل الامام زید بن علی*، ص ۳۶۰.

۷. هادی، *الاحکام فی الحلال و الحرام*، ج ۲، ص ۳۴۶؛ منصور بالله، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۸۴ ـ ۱۸۳ و ۱۹۱؛ مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۸.

نام مهدی محمد بن عبدالله است[۱] و از امیرمؤمنان علیه السلام روایتی می‌آورند که اولین ما محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و امام میانی و امام آخر نیز به همین نام است.[۲] هرچند برخلاف امامیه، مهدی را در فرد خاصی معین نکرده‌اند و لذا مباحثاتی بین آنان و عالمان امامی پیرامون نفی مهدویت امام دوازدهم علیهم السلام شکل گرفته است.[۳] همچنین به مخالفت با مهدویت حسین بن قاسم عیانی و فرقه حسینیه که از طرفداران مهدویت او بودند، نیز پرداخته‌اند[۴] و حتی نقل‌قول‌هایی از ابراهیم بن عبدالله، برادر نفس زکیه (م ۱۴۵ ق)، در رد مهدویت برادرش در مصادر زیدی به‌جای مانده است.[۵] ولی به‌هرحال معتقدند مهدی خواهد آمد و عالم را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که از ظلم و ستم فراگیر شده است.[۶] شاید گرایش آنان به معتزله[۷] سبب شده است که عقیده آنان به مهدی تا حد به اهل‌سنت نزدیک باشد،[۸] چنان‌که آنان نیز بر ظهور مهدی و با شرایطی مشابه ایمان دارند.[۹]

در این میان توجه به چند نکته ضروری است: اول آنکه مفهوم قائم در میان زیدیه بسیار کم‌رنگ‌تر از شیعه است[۱۰] و یکی از شروط امام از نظر آنان خروج و قیام به سیف است.[۱۱] دومین

---

۱. حسنی، *المصابیح*، ص ۴۴۳؛ منصور بالله، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۸۳؛ مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۸ و ۶۲؛ مؤیدی، *التحف*، ص ۳۹۱.

۲. مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۹ ـ ۵۸؛ مؤیدی، *التحف*، ص ۳۹۱.

۳. صدوق، *کمال‌الدین*، ص ۱۲۶ ـ ۹۴.

۴. موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، شماره ۲۷، ص ۱۵۴ ـ ۱۳۹.

۵. هارونی، *تیسیر المطالب*، ص ۱۹۴؛ محلی، *الحدائق الوردیة*، ص ۲۷۸؛ وزیر، *هدایة الراغبین*، ص ۱۹۵.

۶. هادی، *الاحکام فی الحلال و الحرام*، ج ۲، ص ۳۴۶ ـ ۳۴۵؛ منصور بالله، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۸۱ ـ ۱۷۶ و ۱۸۵؛ ابن‌بدرالدین، *ینابیع النصیحه*، ص ۴۶۸؛ مهلا، *مطمح الآمال*، ص ۱۸۶ ـ ۱۸۵ و ۱۸۹؛ مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۸، ۶۲ ـ ۶۰ و ۶۴.

۷. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: سلطانی، «تعامل تاریخی و فکری ـ فرهنگی معتزله و زیدیه»، *مجله نامه تاریخ‌پژوهان*، شماره ۱۱، ص ۷۴ ـ ۵۱؛ گرجی‌پور و دیگران، «مناسبات شیعه و معتزله در قرن چهارم هجری»، *مجله ادیان و عرفان*، سال چهل و هشتم، ش ۱، ص ۱۳۸ ـ ۱۲۱.

۸. جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، ص ۴۱۵.

۹. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: بستوی، *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفه*.

۱۰. برای اطلاعات بیشتر درمورد این مفهوم بنگرید به: ساشادینا، «مهدی قائم منجی و امام دوازدهم»، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، *مجله مشرق موعود*، ش ۱، ص ۵۰ - ۴۸.

۱۱. برای نمونه بنگرید به: قاسم رسی، *مجموع کتب و رسائل القاسم بن إبراهیم الرسی*، ج ۱، ص ۶۵۲؛ هادی، *مجموع رسائل الإمام الهادی یحیی بن الحسین*، ص ۵۶، ۵۰۸ و ۵۳۷.

نکته در عدم اعتنایی شایسته به مسئله مهدویت است. زیدیان در این زمینه برخلاف امامیه، آثار زیادی را ننگاشته‌اند که برخی، عللی چون شرط قیام برای امام و باور غالب به عدم تولد مهدی را ذکر کرده‌اند.[۱] شاید این کم‌توجهی از آن‌روست که تمام آمال خود را بر دوش مهدی ننهاده‌اند. سومین مورد در عدم باور آنان به غیبت است. هرچند اشاره‌های کمرنگی مبنی به سفارش به انتظار در میان آنان به چشم می‌خورد،[۲] باور به تولد و غیبت مهدی در میان اکثر آنان وجود ندارد و حتی با ادعای غیبت از سوی امامیه به مقابله پرداخته‌اند.[۳] برخی نیز به نقل از ناصر اطروش (م ۳۰۴ ق)، مهدی را در بعضی از شعب‌های یمن می‌دانند[۴] که شاید با اخباری از مصادر زیدیه پیرامون خروج «محمد حسنی مهدی» از یمن[۵] و یا ظهور دادگستری در آخرالزمان از یمن[۶] بی‌ارتباط نباشد.

پس در یک جمله می‌توان زیدیان را پس از قرن سوم گروهی دانست که به آمدن مهدی در آخرالزمان[۷] ایمان داشته که در مکه ظهور می‌کند؛[۸] زمانی‌که فتنه‌ها انبوه، کتاب و سنت تعطیل، فساد و افساد فراوان، ربا و رشوه بسیار، ستم سلطان پرشمار باشد.[۹] وی نوری درخشنده در چهره و در میان دو چشم خویش دارد؛[۱۰] همان‌گونه که زیدیان چنین نشانه‌ای را برای رسول خدا ﷺ نیز برشمرده‌اند.[۱۱] مهدی با حکومت بر کل زمین[۱۲] پناه شرق و غرب عالم خواهد بود.[۱۳و۱۴]

---

۱. جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، ***کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان***، ص ۴۲۲.

۲. هادی، ***الاحکام فی الحلال و الحرام***، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳. منصور بالله، ***العقد الثمین***، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۱۹۲.

۴. مویدی، ***لوامع الانوار***، ج ۱، ص ۶۳.

۵. منصور بالله، ***العقد الثمین***، ج ۱، ص ۱۸۲.

۶. مهلا، ***مطمح الآمال***، ص ۱۸۵.

۷. منصور بالله، ***العقد الثمین***، ج ۱، ص ۱۷۰، ۱۸۲ ـ ۱۸۱ و ۱۹۰، ج ۲، ص ۱۹۲؛ ابن‌بدرالدین، ***ینابیع النصیحه***، ص ۴۶۹؛ مهلا، ***مطمح الآمال***، ص ۱۵۵ و ۱۸۵؛ مؤیدی، ***لوامع الانوار***، ج ۱، ص ۶۰ و ۶۲.

۸. هادی، ***الاحکام فی الحلال و الحرام***، ج ۲، ص ۳۴۶؛ مهلا، ***مطمح الآمال***، ص ۱۹۰ ـ ۱۸۹.

۹. هادی، ***الاحکام فی الحلال و الحرام***، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۳۴۶.

۱۱. مؤیدی، ***لوامع الانوار***، ج ۲، ص ۲۱.

۱۲. هادی، ***الاحکام فی الحلال و الحرام***، ج ۲، ص ۳۴۵؛ منصور بالله، ***العقد الثمین***، ص ۱۷۰ و ۱۸۵.

۱۳. هادی، ***الاحکام فی الحلال و الحرام***، ج ۲، ص ۳۴۶.

۱۴. برای اطلاعات بیشتر درمورد جایگاه مهدویت در میان زیدیه و به‌ویژه زیدیان کنونی بنگرید به: جاودان،

نتیجه

نتیجه این نوشتار را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

۱. قرن سوم در یک نگاه کلان، آغازی برای افول اندیشه مهدویت در میان زیدیان قلمداد می‌گردد و به‌رغم ظهور نامزدهایی برای مهدویت از میان امامان زیدی، اهتمامی برای پرداختن به جزئیات متنوع باور به مهدی در میان زیدیان وجود ندارد.

۲. مرگ مخفی نامزد مهدی در این دوران را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اندیشه غیبت دانست. در این زمان دیگر احتیاجی نیست تا مانند دوران نفس زکیه، مقتول میانه میدان را شیطانی در صورت او بدانیم،[1] بلکه رازآلود بودن پایان زندگی محمد بن قاسم آن هم در منطقه‌ای دور از مراکز اصلی شیعه، سبب شده است که غیبت‌انگاری به‌صورت باوری پررنگ، دوامی به درازای یک قرن داشته باشد؛ اما با توجه به نبود پشتوانه‌های کلامی برای آن و یأس از حیات ابن‌قاسم پس از یک‌صد سال، این اندیشه نیز در میان هواداران او رنگ باخت.

۳. نشانه‌های ظهور در این قرن نمودی بسیار قابل‌توجه دارد تا آنجاکه آمال شیعه در رهبری علوی، آن هم در کوفه تجلی پیدا می‌کند؛ زیرا قیام او با نشانه‌ها ظهور همخوانی داشته است. شکست یحیی، تا حد زیادی اشتباه در مصداق را آشکار می‌سازد اما نشان از کارکردهای ویژه این باور در معادلات سیاسی و ساختار قدرت دارد.

۴. پس از شکست این قیام‌ها کم‌کم زیدیان به‌سمت مهدی نامعینی گرایش می‌یابند که به باور اهل‌سنت نزدیک است؛ بدین‌معنا که در آخرالزمان مردی از نسل فاطمه‌ﷺ به دنیا خواهد آمد و احتمالاً با ظهور در مکه، زمانه پر از ستم را به جهانی سراسر عدل بدل می‌سازد و او آخرین امام خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. آژند، یعقوب، *قیام زنگیان*، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳٦٤.

«گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، ص ۴۲۲ ـ ۴۱۴؛ خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، *دانشگاه ادیان*، ص ۱۲۱ ـ ۹۴، ۱۳۸۹.

۱. اشعری قمی، *المقالات و الفرق*، ص ۴۳؛ اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۹؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۴۵ ـ ۴۴ و ۲۳۲.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج‌البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبة آیةالله المرعشی النجفی، چ ۱، ۱٤۰٤ ق.

٤. ابن‌ابی‌شیبه عبسی، عبدالله بن محمد، *المصنف لابن‌أبی‌شیبة*، تحقیق اسامة بن ابراهیم بن محمد، قاهره، فاروق الحدیثه للطباعه و النشر، چ ۱، ۲۰۰۸ م.

۵. ابن‌اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، چ ۱، ۱۹٦۵ م.

٦. ابن‌اسفندیار، محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، پدیده خاور، چ ۲، ۱۳٦٦.

۷. ابن‌بدرالدین، حسین، *ینابیع النصیحة فی العقائد الصحیحة*، تحقیق مرتضی بن زید المحطوری، صنعاء، مکتبة البدر، چ ۱، ۱٤۲۲ ق.

۸. ابن‌حماد، ابوعبدالله نعیم، *الفتن ابن‌حماد*، تحقیق مجدی بن منصور شوری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۲، ۱٤۲۳ ق.

۹. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد بن حنبل*، تحقیق شعیب الارنؤوط و عادل مرشد، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۱، ۱۹۹۷ م.

۱۰. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن‌خلدون*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، چ ۲، ۱۹۸۸ م.

۱۱. ابن‌داود، حسن بن علی، *رجال ابن‌داود*، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳٤۲.

۱۲. ابن‌سلیمان، المتوکل علی الله احمد بن سلیمان بن محمد، *حقائق المعرفة فی علم الکلام*، تصحیح حسن بن یحیی، صنعاء، مؤسسه الامام زید بن علی، چ ۱، ۱٤۲٤ ق.

۱۳. ابن‌طاووس، علی بن موسی، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر*ﷺ، قم، شریف رضی، چ ۵، ۱۳۹۸ ق.

۱٤. ابن‌عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۱٤۱۵ ق.

۱۵. ابن‌عنبه، جمال‌الدین أحمد بن علی، *عمدة الطالب فی أنساب آل أبی‌طالب*، قم، انصاریان، چ ۱، ۱٤۱۷ ق.

۱٦. ابن‌ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن‌ماجه*، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۲۰۰۸ م.

۱۷. ابن‌مسکویه، ابوعلی الرازی، *تجارب الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۷۹.

۱۸. ابن‌منادی، احمد بن جعفر، *الملاحم لابن‌منادی*، تحقیق عبدالکریم عقیلی، قم، دار السیره، چ ۱، ۱٤۱۸ ق.

۱۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة، بی‌تا.

۲۰. ابی‌داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی‌داود*، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۲۰۰۷ م.

۲۱. احمد العلی، صالح، *علی بن محمد صاحب الزنج و دولته المهزوره*، بیروت، دار المدار السلامی، چ ۱، ۲۰۰٦ م.

۲۲. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی‌هاشمی، چ ۱، ۱۳۸۱ ق.

۲۳. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، تحقیق محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳٦۰.

۲٤. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، ویسبادن (آلمان)، فرانس شتاینر، چ ۳، ۱٤۰۰ ق.

۲۵. الله اکبری، محمد، «الرضا من آل‌محمدﷺ»، *مجله تاریخ اسلام*، زمستان ۱۳۸۰، سال دوم، شماره ۸.

۲٦. امین، احمد، *ضحی الاسلام*، قاهره، مکتبة النهضة المصریة، چ ۷، ۱۹٦٤ م.

۲۷. الهامی، داود، «قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی)»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، آبان ۱۳۷۳، سال ۳٤، شماره ۸.

۲۸. ایزدی مبارکه، کامران، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله دین و ارتباطات*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷٤.

۲۹. بادنج، معصومه، «تالقان (طالقان)»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ٦، چ ۱، ۱۳۸۰.

۳۰. بحرالعلوم، محمدمهدی فقیه، *یحیی بن عمر علوی*، قم، پژوهشکده حج و زیارت، چ ۱، ۱۳۹۳.

۳۱. بخاری، محمد بن إسماعیل، *جامع الصحیح المختصر*، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چ ۳، ۱۹۸۷ م.

۳۲. برادران، رضا و محمدصادق گل‌پور سوته، «مهدی‌باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه»، *مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، بهار ۱۳۹۶، سال هشتم، شماره ۲۶.

۳۳. برقی، احمد بن محمد، *رجال البرقی*، تحقیق حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳٤۲.

۳٤. بزار، احمد بن عمرو، *البحر الزخار (مسند البزار)*، تحقیق محفوظ الرحمن زین‌الله، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم، چ ۱، ۱۹۹٦ م.

۳۵. بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم، *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفه*، بیروت، دار ابن‌حزم، چ ۱، ۱۹۹۹ م.

۳٦. بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیة منهم*، بیروت، دار الجیل ـ دار الآفاق، چ ۲، ۱٤۰۸ ق.

۳۷. بیهقی، ابی‌بکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه*، تحقیق عبدالمطیع قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱٤۰۵ ق.

۳۸. پاکتچی، احمد، «ابن‌عقده»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ٤، چ ۱، ۱۳۷۰.

۳۹. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۲۰۰۸ م.

٤۰. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوزادهم*، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۸۵.

٤۱. جاودان، محمد، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چ ۱، ۱۳۸۹.

٤۲. جلالی، عبدالمهدی، «ابن‌عقده و مقام او در حدیث»، *مجله علوم حدیث*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۵.

٤۳. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، تحقیق ضیاءالدین محمودی و نعمت‌الله جلیلی، و مهدی غلامعلی، قم، مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، چ ۱، ۱۳۸۱.

٤٤. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ***المستدرک علی الصحیحین***، تحقیق حمدی الدمرداش محمد، بیروت، مکتبه العصریه، چ ۱، ۲۰۰٦ م.

٤٥. حسنی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم، ***المصابیح***، تحقیق عبدالله حوثی، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی، چ ۲، ۱٤۲۳ ق.

٤٦. حلی، حسن بن یوسف، ***رجال حلی***، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف، دار الذخائر، چ ۲، ۱٤۱۱ق.

٤٧. حمیدالدین، عبدالله بن محمد، ***الزیدیة قراءة فی المشروع وبحث فی المکونات***، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، صنعاء، چ ۱، ۱٤۲۰ ق.

٤٨. حمیری، نشوان بن سعید، ***الحور العین***، تحقیق کمال مصطفی، تهران، بی‌نا، چ ۱، ۱۹۷۲.

٤٩. خصیبی، حسین بن حمدان، ***الهدایة الکبری***، بیروت، مؤسسة البلاغ، چ ۱، ۱٤۱۹ ق.

٥٠. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ***تاریخ بغداد***، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، چ ۱، ۱٤۱۷ ق.

٥١. خلیلی، زهرا، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***، قم، دانشگاه ادیان، ۱۳۸۹.

٥٢. خوئی، ابوالقاسم موسوی، ***معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه***، قم، مرکز نشر الثقافة الإسلامیة، چ ٥، ۱۳۷۲.

٥٣. دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید، ***السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و أشراطها***، تحقیق ضاءالله بن محمد إدریس المبارکفوری، ریاض، دار العاصمة، چ ۱، ۱٤۱٦ ق.

٥٤. درسی، ابراهیم یحیی، ***مجموع کتب و رسائل الامام الاعظم امیر المومنین زید بن علی***، صعده، مرکز اهل‌البیت علیهم‌السلام للدراسات الاسلامیه، چ ۱، ۲۰۰۱ م.

٥٥. ساشادینا، عبدالعزیز عبدالحسین، «مهدی قائم منجی و امام دوازدهم»، ***مجله مشرق موعود***، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، بهار ۱۳۸٦، سال اول، شماره ۱.

٥٦. سلطانی، مصطفی، «تعامل تاریخی و فکری ـ فرهنگی معتزله و زیدیه»، ***مجله نامه تاریخ‌پژوهان***، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸٦.

٥٧. سمعانی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد، ***الأنساب***، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی حیدرآباد، مجلس دائرةالمعارف العثمانیة، چ ۱، ۱۹٦۲ م.

۵۸. شاشی، أبوسعید هیثم بن کلیب، *المسند (مسند الشاشی)*، تحقیق محفوظ الرحمن زین‌الله، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم، چ ۱، ۱۹۹٤ م.

۵۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تحقیق محمد بدران، قم، شریف رضی، چ ۳، ۱۳٦٤.

٦۰. صادقی، مصطفی، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۵.

٦۱. صبحی، احمد محمود، *نظریه الامامه لدی الشیعه اثنی عشریه تحلیل فلسفی للعقیده*، بیروت، دار النهضة العربیة. چ ۱، ۱۹۹۱ م.

٦۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۵ ق.

٦۳. طبرانی، سلیمان بن أحمد، *معجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهیم الحسینی، القاهرة، دار الحرمین، چ ۱، ۱٤۱۵ ق.

٦٤. طبرانی، سلیمان بن أحمد، *معجم الکبیر*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مکتبة العلوم و الحکم، چ ۲، ۱۹۸۳ م.

٦۵. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة. چ ۳، ۱۳۹۰ ق.

٦٦. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامه*، تحقیق قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسة البعثة، قم، بعثت، چ ۱، ۱٤۱۳ ق.

٦۷. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)*، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، چ ۲، ۱۹٦۷ م.

٦۸. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة للحجة (للطوسی)*، تحقیق عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، المعارف الإسلامیة، چ ۱، ۱٤۱۱ ق.

٦۹. طوسی، محمد بن حسن، *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب*، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی، چ ۱، ۱٤۲۰ ق.

۷۰. عاشوری تلوکی، نادعلی، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله صحیفه مبین*، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۳۷.

۷۱. عبدالرزاق، أبوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی، ***مصنف عبدالرزاق***، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی، چ ۲، ۱٤۰۳ ق.

۷۲. عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیر العیاشی***، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة. چ ۱، ۱۳۸۰ ق.

۷۳. غلامعلی، مهدی، «درآمدی بر غیبت نگاری (بررسی کتاب‌های غیبت تا قرن پنجم هجری)»، ***مجله حدیث و اندیشه***، بهار و تابستان ۱۳۸٦، سال دوم، ش ۳ (دوره جدید).

۷٤. فرمانیان، مهدی، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، ***کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان***، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چ ۱، ۱۳۸۹.

۷۵. فیروزمندی، جعفر و زهره نریمانی، «بررسی شخصیت رجالی ابن‌عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی»، ***مجله مطالعات قرآن و حدیث***، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، سال سوم، شماره ۵.

۷٦. قاریان، حسین، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، ***پایان‌نامه سطح ۳***، قم، حوزه علمیه، ۱۳۹۵.

۷۷. قاسم رسی، قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل، ***مجموع کتب و رسائل القاسم بن إبراهیم الرسی***، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی، چ ۱، ۱٤۲۱ ق.

۷۸. قائدان، اصغر و اصغر آیینه‌وند، «نقش سه عنصر عرب، ایرانی و ترک در سپاه عصر اموی و عباسی»، ***مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز***، بهار ۱۳۸۱، دوره هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۳٤).

۷۹. کلانتری، علی‌اکبر، «اصول اربعمائه یا نخستین مرحله فقه شیعه»، ***مجله کاوشی نو در فقه اسلامی***، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، شماره ۲۵ و ۲٦.

۸۰. ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد، ***کتاب الفتوح***، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، چ ۱، ۱۹۹۱ م.

۸۱. گرجی‌پور، ضرغام؛ محمدعلی چلونگر و علیرضا ابطحی، «مناسبات شیعه و معتزله در قرن چهارم هجری»، ***مجله ادیان و عرفان***، بهار و تابستان ۱۳۹٤، سال چهل و هشتم، شماره ۱.

۸۲. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، ***البیان فی أخبار صاحب الزمان***ﷺ، تهران، دار إحیاء تراث أهل البیتﷺ، چ ۲، ۱۳٦۲.

۸۳. مجلسی، محمدباقر، ***بحار الأنوار***، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چ ۲، ۱٤۰۳ ق.

۸٤. محلی، حمید بن احمد، ***الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة***، تحقیق المرتضی بن زید المحطوری الحسنی، صنعاء، مطبوعات مکتبة مرکز بدر، چ ۱، ۲۰۰۲ م.

۸۵. مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصرالدین، ***تاریخ طبرستان و رویان و مازندران***، تحقیق محمدحسین تسبیحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، چ ۱، ۱۳٤۵.

۸٦. مسعودی، أبوالحسن علی بن حسین، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ ۲، ۱٤۰۹ ق.

۸۷. مسلم نیشابوری، ابی‌الحسین مسلم بن حجاج، ***صحیح مسلم***، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الکتب العلیمه، چ ۱، ۱۹۹۱ م.

۸۸. مظفری ورسی، حیدر، ***جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی***، قم، دلیل ما، چ ۱، ۱۳۹۲.

۸۹. مفید، محمد بن محمد، ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، تحقیق مؤسسة آل البیت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱٤۱۳ ق.

۹۰. مفید، محمد بن محمد، ***الفصول العشرة فی الغیبة***، تحقیق فارس تبریزیان، قم، دار المفید، چ ۱، ۱٤۱۳ ق.

۹۱. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، ***عقد الدرر فی أخبار المنتظر*** علیه السلام، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، چ ۳، ۱٤۲۸ ق.

۹۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، ***البدء و التاریخ***، قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، بی‌تا.

۹۳. منصور بالله، عبدالله بن حمزه بن سلیمان، ***العقد الثمین فی تبیین أحکام الأئمة الهادین***، تحقیق عبدالسلام عباس الوجیه، صعده، مرکز أهل‌البیت علیهم السلام للدراسات الإسلامیة، چ ۱، ۲۰۰۰ م.

۹٤. مهلا، حسین بن ناصر بن عبدالحفیظ، ***مطمح الآمال فی ایقاظ جهلة العمال من سنة الضلال***، عمان، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، تحقیق عبدالله بن احمد حوثی، چ ۱، ۲۰۰۲ م.

۹۵. موسوی‌نژاد، سید علی، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، ***مجله هفت آسمان***، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸٤.

۹٦. موسوی‌نژاد، سید علی و سید ابوالفضل موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زید بن علی»، ***مجله انتظار موعود***، سال پانزدهم، شماره ٤۸، بهار ۱۳۹٤.

۹۷. مویدی، مجدالدین بن محمد بن منصور، ***التحف شرح الزلف***، صنعاء، مکتبة بدر للطباعة والنشر والتوزیع، چ ۳، ۱۹۹۷ م.

۹۸. مویدی، مجدالدین بن محمد بن منصور، ***لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار و تراجم اولی العلم و الانظار***، صعده، مکتبة التراث السلامی، چ ۱، ۱۹۹۳ م.

۹۹. ناشی اکبر، عبدالله، ***مسائل الإمامة***، تحقیق علی‌رضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چ ۱، ۱۳۸٦.

۱۰۰. نجاشی، احمد بن علی، ***رجال نجاشی***، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین، چ ٦، ۱۳٦٥.

۱۰۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ***الغیبة للنعمانی***، علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق، چ ۱، ۱۳۹۷ ق.

۱۰۲. نوبختی، حسن بن موسی، ***فرق الشیعه***، بیروت، دار الأضواء، چ ۲، ۱٤۰٤ ق.

۱۰۳. هادی، یحیی بن حسین بن قاسم، ***الاحکام فی الحلال و الحرام***، صعده، مکتبة اهل البیت علیهم السلام، چ ۱، ۱٤۳٥ ق.

۱۰٤. هادی، یحیی بن حسین بن قاسم، ***مجموع رسائل الإمام الهادی إلی الحق القویم یحیی بن الحسین بن قاسم بن إبراهیم***، تحقیق عبدالله شاذلی، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی، چ ۱، ۱٤۲۱ ق.

۱۰٥. هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین بن هاورن، ***تیسیر المطالب فی امالی ابی‌طالب***، تحقیق عبدالله بن حمود العزی، صنعاء، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، چ ۱، ۲۰۰۲ م.

۱۰٦. وزیر، هادی ابن‌ابراهیم، ***هدایه الراغبین الی مذهب العترة الطاهرین***، تحقیق عبدالرقیب بن مطهر محمد المطهر، صعده، مرکز اهل البیت علیهم السلام للدراسات الاسلامیة. چ ۳، ۲۰۰۲ م.

۱۰۷. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ***معجم البلدان***، بیروت، دار صادر، چ ۲، ۱۹۹٥ م.

۱۰۸. یعقوبی، احمد بن أبی‌یعقوب، ***البلدان***، تحقیق محمدامین ضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه. چ ۱، ۱٤۲۲ ق.

۱۰۹. یعقوبی، احمد بن أبی‌یعقوب، ***تاریخ یعقوبی***، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

110. Madelung, Wilferd Ferdinand, AL - MAHDI, IN ***The Encyclopaedia of Islam***, E. J. BRILL, V 5,1986, Leiden.